

روش‌شناسی مطالعات میان‌فرهنگی

دکتر فرهاد امام‌جمعه

www.ketab.ir



بهمن پرنّا

۱۴۰۰

سرشناسه

: امام جمعه، فرهاد، ۱۳۴۴ -

عنوان و نام پدیدآور	: روش‌شناسی مطالعات میان‌فرهنگی / فرهاد امام‌جمعه.
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات بهمن برنا، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: [۱۲۶] ص: ۱۲/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	: ۳۲-۶۶۵۳-۶۲۲-۹۷۸-۹ روال: ۴۵۰۰۰۰
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیا
یادداشت	: کتابنامه: ص. [۱۲۵ - ۱۲۶].
موضوع	: مطالعات میان‌فرهنگی - روش‌شناسی
موضوع	: Cross-cultural studies - Methodology
رده‌بندی کنگره	: GN۳۲۵/۷
رده‌بندی دیویی	: ۳۰۶
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۳۶۱۸۳۳

بهمن برنا

نشر تخصصی علوم اجتماعی

روش‌شناسی مطالعات میان‌فرهنگی

نویسنده: دکتر فرهاد امام‌جمعه

صفحه‌آرایی: انتشارات بهمن برنا

چاپ و صحافی: مؤسسه چاپ حیدری

چاپ اول: پاییز ۱۴۰۰

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

شابک: ۳۲-۶۶۵۳-۶۲۲-۹۷۸

تلفن انتشارات: ۸۸۰۰۸۹۲۶-۸۸۰۰۸۹۴۱

www.bahmanborna.ir

bahmanborna@yahoo.com

قیمت: ۴۵۰۰۰ تومان

این اثر مشمول قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران می‌باشد. تصویربرداری و تکثیر از تمام یا بخشی از اثر به هر شکل و بدون دریافت مجوز کتبی و قبلی از ناشر ممنوع است.

فهرست

۷	دیباچه.....
۱۱	مقدمه.....
۱۷	فصل اول: نگرش و الگوی معرفت‌شناسی.....
۲۱	فصل دوم: مرحله‌بندی فکری و معرفتی اندیشه‌گران.....
۲۵	فصل سوم: مراتب تطوری - تکاملی شعور فرهنگی اندیشه‌گران.....
۳۵	فصل چهارم: مبانی علم‌شناسی در تحقیق.....
۵۱	فصل پنجم: تحقیقات فرهنگی و اجتماعی.....
۹۱	پیوست یکم: فرهنگ، روش زندگی مردم و هویت.....
۹۳	پیوست دوم: حقیقت و اشکال تطابق آن.....
۹۷	پیوست سوم: ملاک‌های پایه در شناخت اجتماعی.....
۱۰۵	پیوست چهارم: نمادگرایی و نقد صورت‌گرایی در شناخت اجتماعی.....
۱۱۳	پیوست پنجم: بررسی مقایسه‌ای روشی کمی و کیفی در تحقیقات رفتاری.....
۱۱۷	منابع.....

دیباچه

ذره‌ای دانش که بخشیدی ز خویش متصل گردان به دریا‌های خویش
سپاس بی‌نهایت خدای کریم که پیمایش راه معرفت و ایمان به تجلی حقایق نو به
نوی جهان را به ما عطا می‌کند تا بتوان دم به دم خود، فرهنگ و جامعه را با روش‌های
جدید شناخت. آدمی از بدو تولد همواره در حال شناختن خویش است، و این جریان به
ویژه در جهانی که عده‌ای از مردم، احوال متعادل و همدل و هم‌زبانی ندارند و هر یک
به دنبال و گرفتار حالات خویشند، شناخت به هوش و به موقع خویش و ...، امر بسیار
دشواری است که به سادگی فراهم نمی‌شود. برخی مردم آن‌چنان در لاک اوهام ذهن
خودند، و از این رو ناتوان و آسیب‌پذیر شده‌اند که بازیچه‌ی بسیاری فشارها و القاعات
ماتریکسی جامعه دورانشان گردیده‌اند. بنابراین از یک نقش و پایگاه کارکردی ابزاری به
اندازه یک قطعه‌ای از پازل یا ماشین زندگی مدرن شهری برخوردارند. به همین دلیل
برخی یا ملول، عصبی و دلزده‌اند و توان همگرایی، عشق به معرفت و نور زندگی را از
دست داده‌اند و عمده‌ی اعمالشان از حالات عادت‌ی ملال‌آوری برخوردار شده است. در
چنین فضایی، بدیهی است که حس جسارت، شجاعت نوآوری و تحول را از دست

می‌دهند و زندگی با تمام زیبایی‌ها و موهبت‌ها و انرژی‌های عظیمش، برایشان بسیار معمولی و گاه کسل‌کننده و ناشاد می‌شود. از این رو حالشان از خودشان و از دیگران به هم خورده و در نتیجه آن، گرفتار ادبیات منفی‌بافی عجز و لابه و اشاعه‌ی استرس، ترس و ناله‌اند و به ایشان، حس‌های فرومایگی مانند: خشونت، نفرت، عداوت و بیگانگی، حرص، خودکشی روح و روان خود و هموعان دست داده و غالب می‌شود. اما این پدیده، فراگیر مطلق نیست، و زندگی مانند گل‌های زیبای طبیعت و درختان سرسبز پر میوه، خورشید و ماه تابنده، رودهای پرآب سرازیر به سوی دریا و ... هستند، نیروهای دل‌زننده و هوشیاری که در گذار اطلس ابرهای رونده‌ی روزگار در سایه‌ها و تاریکی‌ها و پوچی حالات دون و فرومایه نمی‌مانند. می‌گذرند و در پی آزادی و نور و رشد هرروزه‌اند ... چه برای خود و چه برای دیگرانی که در پیرامونشان نزدیکند و خود را به نشانه‌ها، نمادها و خبرهای متبهری به نور عشق و محبت امن و رهایی از ترفندها و پیچش‌های برده‌کننده‌ی کلنی‌های شبه مدرن، به وحدت آرامش‌دهنده و معرفت‌ساز فرامی‌خوانند. بدیهی است که این احوال با حرکت و جنبش مفید به توسعه و کمال حس زندگی و فهم عرصه‌های تازه‌ای از راه بی‌پایان هستی (در برابر نیستی و فنا)، حقیقت، آزادگی و رهایی منجر می‌گردد.

این گونه آدمیان بیدار و آگاه، می‌توانند جنس مشترک و متبادله خود را بیابند و بر آن‌ها مؤثر و مفید بشوند و آبی بسا که زمینه‌ی گردش بسیاری از نیروها و انرژی‌های مثبت و پاینده‌ی حیات را میان خودشان، برقرار نموده و عالی‌ترین حاجاتشان را به زیباترین وجه برآورده کرده و طعم شادی و برکت ماندگار زندگی را می‌چشند و به دوستانشان می‌چشانند.

ذره ذره کاندیرین ارض و سماست هر یکی جنس خود را کهریاست

بار الها ... شکر و سپاس که دل ما را که همان دل توست، به حال دعا به دریای بیکران هستی خویش متصل و مرتبط می‌نمایی و از این رو لطف آرامش، محبت، خیرخواهی و عشق به نور و تکامل دوستان خوبت را عطا می‌فرمایی ... و ما را آگاه می‌گردانی که به جلوه‌ها و نشانه‌های حضور و لطفت، همواره بینا و سرشار از انرژی و ایمان باشیم. چه جلوه‌ای از این والاتر که آگاهی، سرزندگی، امید، شجاعت و جسارت به

جا، حرکت با برکت و دیدار اقسام زیبایی‌ها را در نور خورشید، گلها و آسمان آبی، ماه و دل‌های نورانی بندگان آرام، صادق و با صفایت و ... در محیط اطراف خویش پیدا کرده و با این پیدایش، دلگرم و راضی در راه خدمت به پژوهش و آموزش همت نموده، و قدردان همه دوستان و همکاران ارجمند باشم از جمله آقای دکتر علی احمدی، خانم دکتر مشهدی که با مطالعه‌ی این متن، نقطه نظرات ارزنده‌ای را لطف کردند، و نیز همراهی و همکاری مجدانه و راسخ خانم کیانا اشتری در امور نگارشی کتاب تشکر و قدردانی صمیمانه‌ام را ابراز نمایم؛ به ویژه اگر الفت و ایمان معنوی آقای دکتر شاپوری، مدیر محترم انتشارات دانشگاهی بهمن برنا جهت انتشار کتاب نبود توفیق ارائه‌ی آن برای دانشجویان و پژوهشگران فراهم نمی‌شد. از محبت و همگامی ایشان نیز در برنامه انتشار کتاب سپاسگزارم.

باری برای همکاران گرامی، همسر و خانواده همراهم از محضر خداوند جان و جهان، نور و سلامتی و شادی را خواهانم.

فرهاد امام جمعه

بهار ۱۴۰۰